

## بسم الله الرحمن الرحيم

وعلى عبده المسيح الموعود

نحمده ونصلى على رسوله الكريم

خدا کے فضل اور رحمت کے ساتھ

هو الناصر

ملخص خطبه جمعه فرموده سيدنا حضرت خليفه المسيح پنجم ۳۰ نوامبر ۲۰۱۸ در بيت الفتوح لندن

سيرت و سوانح اصحاب بدرى حضرت ثابت بن خالد انصارى، حضرت عبدالله بن عرفه، حضرت عتبہ بن عبدالله، حضرت قيس بن ابى سعساو حضرت عبیده بن حارث رضی الله عنهم

تذکرہ ی خدمتگزارىہای جماعتی و ذکر خيرىک خدمتگزار ديرينه، واقف زندگى و مربى سلسله آقاى سيوطى عزيز احمد بر موقع ی درگذشتش.

سيدنا حضرت خليفه المسيح الخامس ايدہ الله تعالى بنصره العزيز بتاريخ ۳۰ نوامبر ۲۰۱۸ در بيت الفتوح لندن خطبه جمعه را ایراد فرمودند که در زبانهای مختلف با ترجمه روى ايم تى ای زنده پخش شد. حضور انور فرمودند: از صحابه ای که امروز ذکر خيرشان می کنم، صحابی اول از آنها حضرت ثابت بن خالد انصارى رضی الله عنه است. وی از قبيلۀ بنومالك و از بنى نجار بود. در غزوة بدر و احد شرکت کرد و در اثنای جنگ يمامه به شهادت رسید. صحابی دیگر حضرت عبدالله بن عرفه است. وی به همراه حضرت جعفر بن ابى طالب در هجرت حبشه شرکت کرد. در غزوه بدر هم شرکت کرد. بعداً حضرت عتبہ بن عبدالله است. نام مادرش بصره دختر زید بود. وی در بيعت عقبی و غزوه بدر و احد حضور داشت. صحابی دیگر حضرت قيس بن ابى سعسا است که انصارى بود. نام پدرش عمرو بن زید بود اما با کنیۀ خود سعسا معروف بود. نام مادرش شيبه دختر عاصم بود. وی به همراه هفتاد انصار در بيعت عقبی شرکت کرد و این سعادت را هم داشت که در غزوة بدر و احد شرکت بکند. به هنگام غزوة بدر حضرت پیامبر اکرم صلی الله عليه و سلم خارج از مدینه به نزدیک بيوت السقاء با لشکر خود اتراق نمودند. به هنگام حرکت از سقيا، آنحضرت ﷺ به حضرت قيس بن ابى سعسا دستور دادند که مسلمانان را بشمرند. حضرت قيس پس از شمار تعداد مسلمانان در خدمت حضرت پیامبر اکرم صلی الله عليه و سلم عرض نمود: تعداد مسلمانان 313 است. حضرت پیامبر اکرم صلی الله عليه و سلم با شنیدن این عدد خوشحال شدند و فرمودند که همراهان طالوت نیز به همین تعداد بودند. در این موقع وی مسئول آب نیز

منسوب شده بود. همینطور در روز غزوه بدر، حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم رهبری لشکر ساقه به وی سپرده بودند. ساقه به آن بخش لشکر گفته میشود که عقب تر از لشکر اصلی جهت محافظت حرکت میکند. صحابی دیگر حضرت عبیده بن حارث بود. وی از بنو مطلب و از خویشان نزدیک حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بود. کنیه اش ابو حارث و به باور بعضی مؤرخان ابومعاویه بود. نام مادرش سهیله دختر خزاعی بود. وی به لحاظ سن از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم ده سال بزرگتر بود و از ایمان آوردنندگان ابتدایی بود. قبل از ورود حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم به دار ارقم ایمان آورد. حضرت عبیده نزد حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم دارای مقام و منزلت ویژه‌ای بود. وی از سرداران عبد مناف بود. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم پس از بازگشت به مدینه جهت مصون ماندن از شر کفار و محافظت مسلمانان چند تدبیر پیشه کردند. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم دسته ای را به رهبری عبیده بن الحارث روانه فرمودند. هدف از این سریه این بود که جلوی کاروان تجاری قریش گرفته شود. امیر کاروان قریش ابوسفیان بودین طرفین بجز تیراندازی جنگی دیگر روی نداد و صف بندی برای نبردی به عمل نیامد. هدف آن مهم این بود که جلوی حملات قریش گرفته شود. این گروه قریش به بهانه تجارت به صورت لشکر و مسلحانه درآمد بودند و با قصد خاصی آمده بودند. مطمئناً آغاز تیراندازی از طرف کفار شده بود و این فضل خدا بود که آنان با دیدن اینکه مسلمانان هشیار و سریعند و همینطور بعضی افرادشان به لشکر اسلامی دارند ملحق میشوند جرأت نکردند دوباره حمله کنند لذا بازگشتند. حضرت عبیده رضی الله عنه در روز بدر از طرف مسلمانان با ولید بن عتبه جنگید. در اثنای مبارزه، عتبه بر ساق حضرت عبیده بن حارث ضربت شدیدی وارد کرد و در نتیجه ساقش بریده شد. سپس حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم دستور دادند که وی را برداشته و بیاورند. پس از اتمام جنگ بدر وی در مکانی به نزدیک بدر به نام صفرا درگذشت و در همانجا دفن گردید. به هنگام شهادت حضرت عبیده بن حارث 63 ساله بود.

حضور انور ایده الله تذکره ی خدمتگزاریهای جماعتی و ذکر خیریک خدمتگزار دیرینه، واقف زندگی و مربی سلسله آقای سیوطی عزیز احمد بر موقع ی درگذشتنش کرد. فرمودند که آقای سیوطی بیماری قلبی شدیدی داشت. بازماندگانش همسرش، دو پسر و دختران و ده نوه اش هستند. از این ده، شش نفر عضو بنیاد وقف نو اند. وی در 17 اوت 1944 در بونه سولاوسی جنوبی به دنیا آمد. در جامعه احمدیه ربوه از 1966 الی اکتبر 1971 تحصیلات فراگرفت. در ماه اوایل 1972 به عنوان مبلغ مرکزی اندونزی فرستاده شد. در 1985 با توجه به فعالیت و کارش به وی مدرک شاهد داده شد. از 1972 الی

1979 هفت سال در سوماترای جنوبی، جامبی، لامپونگ و بنگکولو به عنوان مبلغ خدمت کرد. از 1979 الی 1981 توفیق یافت در کلاس معلمین به عنوان استاد درس بدهد. در 1981 به عنوان مبلغ جماعت پوربوکیتو منصوب شد. سپس در 1982 برای کلاس معلمین و مبلغین به عنوان معاون مدیر خدمت کرد. از 1982 الی 1992 به عنوان مدیر جامعه احمدیه اندونزی خدمت کر از 1992 الی 2016 رئیس « » بود. از 2016 تا وفاتش به طور مدیر جامعه احمدیه اندونزی توفیق خدمت یافت. ازدواجش در 1973 با دختر مبلغ عبدالواحد ساماتری خانم عفیفه صورت گرفت. این خانم خواهر بزرگ امیر اندونزی مولانا عبدالباسط بود. آقای سیوطی از این خانم چهار فرزند داشت: وردیه خالد، حارث عبدالباری، سعادت احمد و عطیة العلیم. خانم عفیفه در 2009 درگذشت. پس از او، آقای سیوطی با خانم ارینه داماینتی ازدواج کرد. از او وی هیچ فرزندی ندارد. وی دربارهٔ ورود احمدیه به خاندانش تعریف کرد که علت بزرگ بیعت من و خاندانم این بود که پدر بزرگم وصیت کرده بود که در آخرالزمان امام مهدی ظهور میکند و زمانی که ظهور کند به او ایمان بیاورید. برای عمل به این وصیت، خاندانواده ما دو بار مهاجرت کرد. خلاصه، در 13 فوریه 1963 در سن 19 سالگی من و چهل نفر از خاندانم توسط مولانا زینی دهلان بیعت کردیم.

حضور انور ایده الله فرمودند که آقای سیوطیوی صاحب شخصیت بسیار ساده ای بود، در تواضع و فروتنی نمونه بود، الگوی صبر و تحمل در همهٔ احوال بود، دعاگو و تهجدگزار بود و به خداوند متعال بینهایت توکل میکرد، نسبت به نظام خلافت و خلفای جماعت بی نهایت اخلاص و مهر و محبت داشت. کارهای جماعت را بر کارهای شخصی اولیت میداد، یک خادم موفق جماعت بود. هر کار و مسئولیتی که به وی سپرده میشد، با اخلاص و وفاداری فراوان انجام میداد. وی کتاب «عرفان الهی» را به زبان اندونزی ترجمه کرده بود. وی تمام حیات خود را صرف کارهای جماعت کرد. وی فرزندان خود را همین گفته بود که تمام وقت یک وقف زندگی برای جماعت است. زیاد پند و نصیحت نمی کرد بلکه با عمل خود نمونهٔ خود را نشان میداد. زمانی که همسرش بیمار شد، با صبر و شکیبایی به او خدمت میکرد و کارهای خانه را نیز خود انجام میداد. در ایام رمضان سحری و افطاری نیز خودش آماده میکرد و هیچ وقت به کسی نمی گفت که این کار را برایم انجام بده. عادت داشت که کارهای خود را به دست خود انجام دهد. به بچه ها توصیه میکرد که به مسجد رفته نماز جماعت بخوانند. همیشه راست میگفت و با فرزندان خود هیچگاه دروغ نمیگفت حتی در شوخی هم دروغ نمیگفت و نماز تهجد را ترک نمیکرد، همیشه نمازها را در مسجد به جماعت میخواند. می گفت که زندگی و مرگم برای جماعت است. رفتم. در

راستای انجام کارهای جماعت هیچ اعتنایی به سلامتی خود نوزید. می گفت که من وقف زندگی ام و هر کاری که میکنم با اجازه خلیفه وقت و به دستورشان میکنم. همیشه بسیار ساده زندگی میکرد اما باوقار بود و باوجود سن بالا در انجام کارهای جماعت بسیار چست و سریع بود گویی جوان بود. آقای سیوطی به لحاظ معنوی و اخلاقی نمونه و الگو بود. وی به نماز جماعت بسیار زیاد اهتمام میورزید. همیشه سر وقت بلکه گاهی زودتر به مسجد می آمد و برای نماز جماعت منتظر می ماند و در روزهای پسین باوجود بیماری همیشه در ادای نماز سبقت می جست. خطبه های خلیفه وقت را به دقت میشنید و درباره نکات خطبه با دانشجویان گفتگو میکرد و همیشه مطمئن میشد که دانشجویان از خطبه یادداشت برداری کرده اند و همواره این را بررسی میکرد که آیا آنها پیام خلیفه وقت را درک هم کرده اند یا نه و همیشه به اطاعت خلافت توصیه میکرد. آقای سیوطی وقف زندگی موفق بود. همینطور در مواقع مختلف هرگاه ذکر خلافت به میان می آمد بسیار احساساتی می شد. مرحوم به فضل خدا موصی بود. خداوند متعال درجاتش را رفیع تر بگرداند و در جنت الفردوس مقام بالایی عطا کند، تمام بازماندگانش را صبر و شکیبایی بدهد و به اولاد و نسلهای آیندهاش را توفیق دهد که از نمون هایش تقلید کنند حضور انور ایده الله تعالی بنصره العزیز پس از نمازها، اقامه نماز میت غایبش را نیز اعلام کرد.